

الآن او را که قادر است شما را استوار سازد ، بر حسب بشارت من و موعظه عیسی مسیح ، مطابق کشف آن سری که از زمانهای ازلی مخفی بود، لکن در حال مشکوف شد و به وسیله کتابهای انبیاء به فرموده خدا سرمدی به جمیع امت ها بجهت اطاعت ایمان اشکارا گردید ، خدای حکیم را به وسیله عیسی مسیح تا ابد الابد جلال باد. امین

وقتی که خانم لیبن وزیر دفاع فعلی آلمان در افغانستان مشغول به کار بود ، برخی نمی توانستند این مسأله را قبول کنند و این را مسخره می کردند. خانم وزیر قبل از این مقام در خدمت سربازی به عنوان یک کار اجتماعی فعال بود. بنابراین منتقدان می گفتند که : در نهایت او می تواند در آشپزخانه سربازها کمک باشد و از یک مهمان بیشتر از این نمی توان انتظار داشت. آیا من می توانم بدون پیش زمینه به آدم دیگر اعتماد کنم؟ مطمئناً تعداد زیادی نبودند که به این خانم اعتماد کنند که بتواند در این مسیر پیشترداشته باشد و صلح را از افغانستان به ارمغان بیاورد. دلیل این هم برمی گردد به سیاست 100 سال گذشته. از گذشته ها مردم یاد گرفتند که نمی توان به سیاسیون اعتماد کرد. حال این رابطه با خدا هم صدق می کند؟ متأسفانه عده ای از مردم هستند که می گویند خدا با این طرح ترسناکش برای آدم ها باعث گمراهی آنها شده است، وقتی که آدم در این جهان به تماشا می نشیند، متوجه می شود که در واقع خدا برای وضعیت انسان ها کاری نمی کند. بعد یک سری سؤال جلوی چشمش ردیف می شود: اگر خدا همه چیز را در اختیار دارد چرا پس این همه جنگ و بدبختی در جهان هست؟ اگر او قادر مطلق هست چرا یک مواد فروش بدون هیچ مشکلی می تواند اقامت بگیرد ولی یک مسیحی واقعی که تحت تعقیب هست در حال اخراج از خاک قرار می گیرد؟ حالا پس چون خدا که قادر مطلق است و بی نهایت توانا است ، نمی تواند کاری در این باره بکند پس ما می توانیم این کارها را بهتر انجام بدهیم؟

عموما این سؤال ها جدید نیست و انسان های مقدس هم این سئوالات را داشتند. بله و خود انسان ها در واقع که به خدا دسترسی داشتند بلافاصله نمی توانستند متوجه بشوند که راه خدا چگونه است. نقشه خدا برای انسان ها هزارانسال نماند بود. خیلی از مردم در این مورد دعا کردند ولی دعای آنها در طول عمرشان برآورده نشد. تا اینکه خود عیسی آمد و این برنامه را روشن کرد ، آنها متوجه آن نمی شدند. اینجا ما یوسف را داریم که از نقشه خدا بی خبر بود، و همسرش مریم که چون قبل از ازدواج باردار بود از زادگاهش فرار کرده بود. بعد ما با این ستاره شناسان مشرقی آشنا می شویم، آنها راه اسرائیل را به روشنی بلد بودند اما به قصر هیرودیس می روند و از او معماوار می پرسند : کجا است آن پادشاه تازه متولد شده ، در آنجا آنها می توانستند محل دقیق تولد را بگویند اما هیرودیس می خواست با پیدا کردن آن کودک او را به قتل برساند. یوحنا حق داشت وقتی که نوشت: او به ملک خودش میاد ولی آنها او را نمی پذیرند. آنها او را نمی پذیرند چون آنها او را نمی شناسند. در نامه رومیان پولوس با این مسأله درگیر می شود که ما بتوانیم بفهمیم تا خدا از طریق انسان ها چی می خواهد از طریق عیسی مسیح برآورده کند. پولوس باید بجنگد چون ما انسان ها با چشمان خودمان و با فهم انسانی خودمان عموماً گمراه می شویم. بله در واقع این یک مشکل قدیمی هست که ما انسان ها نمی توانیم خدا را فهمیم. این اتفاقات دور و بر ما رابطه ما را با خدا قطع می کنند . چرا که ما انسان ها جرأت مان را از دست می دهیم برای اینکه خدا را بشناسیم و فکر کنیم و او را کاملاً خارج از بازی قرار می دهیم . بعضی وقت ها هم ما فکر می کنیم بدون خدا می توانیم پیش

برویم. اغلب من در زندگی خودم می‌بینم که زندگی رو نه با قدرت عیسی پیش می‌برم بلکه از توسل به قدرت خودم سعی در حل مشکلاتم می‌کنم. بعد همیشه یک اتفاق مشابه رخ می‌دهد. کلام خدا بی مفهوم می‌شود و یک مه غلیظ آن را نهان می‌کند و نقشه خدا از زندگی ما محو می‌شود و در آن باره ما دیگر چیزی نمی‌دانیم، آیا در این حال خدا واقعاً وجود دارد یا او از تقدیر من محافظت می‌کند، وقتی ما در شرایط اضطراری هستیم. بعضی وقت‌ها می‌بینیم که قسمتی از کلیسای مسیحیان را این ابر گرفته، آن‌ها خودشان را کلیسای مسیحی می‌نامند ولی مدت مدیدی هست که در زیر کلام خدا دیگر قرار ندارند. آدم نمی‌تواند متوجه شود که خدا از انسان‌ها در حال حاضر چه چیزی می‌خواهد. پس انسان متوسل به نیرو و فهم انسانی خودش می‌شود. این می‌تواند اینطور پیش برود وقتی که ما این گرد و غبار را با اشتیاق خیلی زیاد دنبال می‌کنیم. ولی در نهایت همه چیز بدون معنا می‌ماند. چون قدرت انسانی و برنامه‌های انسانی به ما در نهایت هیچ چیزی نمی‌دهند. ما انسان‌ها مثل گل‌های درون مزرعه می‌مانیم، امروز هستیم و فردا می‌رویم. چیکار کنیم که ایمانمان قوی‌تر شود؟ چیکار باید بکنیم تا برنامه خدا را متوجه شویم و وقتی هم که آن را نمی‌فهمیم و نمی‌توانیم به خوبی توضیح دهیم، به آن ایمان داشته باشیم؟ شاید یک مثال کوچک به ما کمک کند، این طبیعی است که ما زیاد اطمینان به سیاستمداران نداریم ولی به چیزای دیگر اطمینان داریم، مثل وقتی که دکتر می‌رویم و برای مریضیم دارو برای من تجویز می‌شود من به آن اطمینان می‌کنم بدون اینکه بخواهم شخصاً به آزمایشگاه بروم و این دارو‌ها را آزمایش کنم که آیا آن‌ها واقعاً تأثیر دارند یا خیر. خدا هم برای ما انسان‌ها مثل این دکتر عمل می‌کند و اعتماد ما به خدا مثل اعتماد ما به دکتر است. او ما را بدون دارو رها نمی‌کند بلکه او دقیقاً داروی مورد نیاز ما را به ما می‌دهد، او به ما هر آنچه را که وعده کرده می‌دهد. وقتی ما به او مثل یک دکتر اعتماد کنیم، پس داروی او را هم خیلی راحت قبول می‌کنیم. داروی خدا کلام اوست. خداوند از طریق نامه رومیان می‌گوید: از طریق انجیل عیسی مسیح و کلام خدا، او می‌تواند ما را در این راه قوی کند. اگر من در این دنیا نگاه کنم گمراه می‌شوم. اگر من به این چیزها نگاه کنم و به چیزهای واهی ایمان داشته باشم، من در یک مسیر بی‌نهایت گمراه‌کننده قرار خواهم گرفت و دیگر نخواهم فهمید چیکار باید انجام دهم. ولی با کلام خدا و انجیل من به روشنی خواهم فهمید که خدا از ما چه خواسته‌ای دارد. در این کلام می‌بینم که خدا در ابتدا ما را برای این برنامه سرشار از محبتش آماده می‌کند. یکبار او می‌بایست همه چیز را در عیسی مسیح محکم می‌کرد. بعد این وجود مقدس می‌بایست مرگ را شکست دهد. و این را ما در داستانمان به صراحت می‌بینیم که پسر خداوند به دنیا می‌آید. او خیلی استوار هست در خواست خداوند. و برای این خواست او بر روی صلیب می‌رود. اعمال خداوند در داستان من هم استوارند. من به آن‌ها نیاز دارم و اجازه دارم که در این چیزها تنها نمانم. وقتی خداوند همه چیز را اینقدر دقیق آفریده، پس او زندگی من را هم خیلی دقیق در دستش دارد. در اوست که من می‌توانم مطمئن باشم. و وقتی مبلغی خداوند از طرف کلیسا و در مورد آفرینش خداوند تبلیغ می‌شود، من این را می‌دانم که این فقط از طرف خدا می‌تواند باشد. خدا اینطور است بله، او می‌خواهد تمام انسان‌ها نجات یابند. خدا اینطور است که بی‌صبرانه منتظر بچه‌هاش ایستاده تا آن‌ها برگردند به ملکوت او، ما انسان‌ها در واقع فقط اینجا مثل دروغ‌های بزرگ و فاحشی هستیم، کمک‌های اوست که به ما این امکان را می‌دهد تا جایگاه واقعیمان را پیدا کنیم. خدا دوست دارد تا کلام او در زندگی ما درخشان باشد تا کلام او در قلب ما روشن باشد و نور او بر قلب ما بتابد. امین